

مرکز جهانی علوم اسلامی

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته فقه و معارف اسلامی

عنوان:

تعلیم اسماء به حضرت آدم (ع) از دیدگاه قرآن و حدیث

استاد راهنما:

حجة الاسلام والمسلمین آقای دکتر علی احمد ناصح

استاد مشاور:

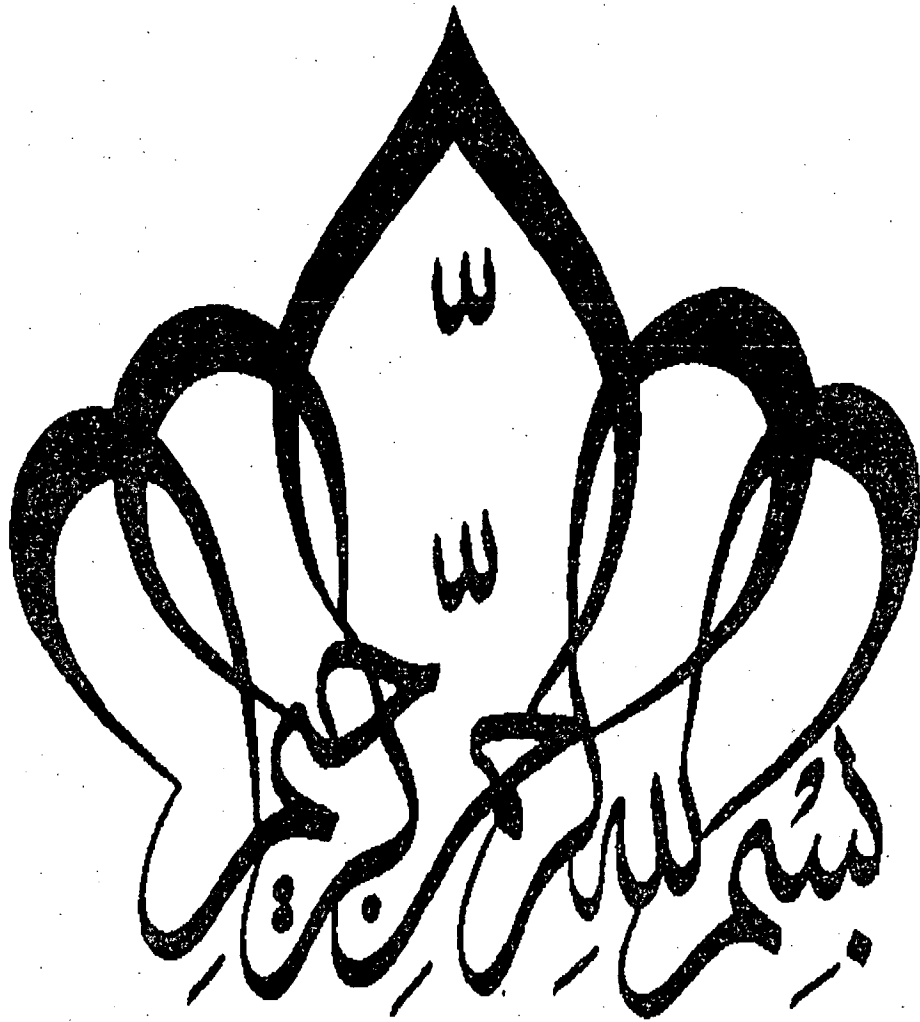
حجة الاسلام والمسلمین سید شهاب الدین حسینی

دانش پژوه:

محمد علی امینی

سال تحصیلی: ۱۳۸۳

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی
شماره ثبت: ۹۶۶
تاریخ ثبت:



اهداء

این اثر ناچیز را به پیشگاه عصاره هستی،
محور عالم امکان، حلقه وصل وجوب و امکان،
انسان کامل، مظهر اسماء حسنی، ذخیره خدا،
شفیع یوم اللقاء، ختم الاوصیاء، حجة ابن
الحسن، مهدی موعود (عج)، ارواحنا فداه . که
هستی از فیض وجود او ست، تقدیم می کنم.
از خدا می خواهم که، جحتش را ظاهر و عالم
را از تمامی رنجها و آلام برهاند، به امید آن
روز .

قدر دانی

خودم را موظف می دانم که از مرکز جهانی علوم اسلامی - بهترین نهاد فرهنگی جامعه تشیع - و مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی، مخصوصاً واحد پایان نامه، کمال تقدیر و تشکر و سپاسگذاری را بنمایم، چه اینکه زمینه پژوهش های مفید و علمی را فراهم کرده و در زمینه رشد و شکوفایی استعداد های نهفته طلاب ارجمند، زحمت می کشد، در شرائطی که تفکرات باطل و اندیشه های مشکوک با عناوین مختلف به فرهنگ غنی اسلام راستین هجوم آورده اند، ضرورت عقلی و دینی چنین فعالیت های فشرده و عمیق، بیش از هر زمان دیگر احساس می شود. امیدوارم این مرکز - که مرکز امید جهان تشیع است - در راستای اهداف بلندش موفق باشد.

بالاخص تشکر و قدردانی می کنم از جناب حجة الاسلام والمسلمین دکتر علی احمد ناصح (دامه عزه) استاد محترم راهنما و جناب حجة الاسلام والمسلمین سید شهاب الدین حسینی (دام ظلّه) استاد محترم مشاور که با راهنمایی های عالمانه و دلسوزانه شان مرا در امر تدوین این نوشتار یاری رساندند و بنده توفیق نسبی خودم را در این نوشتار مدیون این بزرگواران خدوم و نخبگان حوزه (این مرکز تر ویج علوم دینی) می دانم، خداوند از همه ما قبول فرماید.

چکیده

نوشتاری که در پیش رو دارید، به موضوع تعلیم اسماء به حضرت آدم پرداخته است که مجموع مطالب را بطور فشرده در ۳ بخش و نه فصل به توضیح گرفته است و در حدّ توان علمی مؤلف، به تحقیق این بحث می پردازد، قبل از بخش ها، کلیات آمده که به این کیفیت است:

کلیات: این بخش شامل کلیاتی است که مباحث مقدماتی را توضیح میدهد مثل: مباحث اهداء، شکر گزاری، انگیزه و روش تحقیق، موانع تحقیق، مقدمه، ضرورت موضوع، چکیده مبحث و تاریخچه موضوع. بخش اول: در این بخش به موضوع تعلیم پرداخته شده که دارای دو فصل است:

در فصل نخست مباحثی چون: مفهوم لغوی و اصطلاحی و اثره تعلیم، تکوینی یا تشریحی بودن تعلیم، رابطه زمان و تعلیم، بیان واسطه در تعلیم، تفاوت تعلیم با درس و گزارش، مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است. در فصل بعدی به مطالبی از قبیل رمز مشورت خداوند با فرشتگان، ماهیت و اصناف فرشتگان، عصمت فرشتگان، تکامل فرشتگان، و امتیاز آدم بر فرشتگان پرداخته شده است.

بخش دوم: این بخش مباحث اسماء را دنبال کرده و در سه فصل از آن بحث می کند: در فصل اول و اثره اسماء را از نظر لغت و اصطلاح مورد بررسی قرار داده و اینکه آیا اسماء حقایق خارجی هستند یا نه و آیا شعور دارند یا نه و اصلاً موطن این اسماء کجا است.

در فصل دوم ماهیت اسماء و نظر تورات در مورد اسماء بیان شده و با جمع بین اقوال، زبان روایات مورد توجه قرار گرفته و در پایان نتیجه گیری شده است.

در فصل سوم مفهوم شناسی عرضه از نظر لغت و اصطلاح و کیفیت عرضه و زمان عرضه اشیاء به فرشتگان و اینکه چه مواعی برای فرشتگان در دریافت اسماء وجود داشت، مورد مذاقه قرار گرفته و نیز بیان شده است که تعلیم اسماء چه نقشی در مقام خلافت داشت.

بخش سوم: این بخش به حکمت و آثار تعلیم پرداخته است که در واقع همان بحث خلافت است که در طی چهار فصل، توضیح داده شده است. فصل اول شامل مفهوم شناسی خلیفه و خلافت، ضرورت خلافت و راز خلافت آدم است. و نیز توضیحی پیرامون واژه آدم، فلسفه و منشأ سؤال فرشتگان داده شده است.

در فصل دوم نظریات چهارگانه راجع به کسی که انسان جانشین اوست (مستخلف عنه) بررسی و نقد شده و دیدگاه چهارم که انسان را خلیفه خدا می داند مورد تأیید قرار گرفته و با دلله و شواهد قابل قبولی اثبات شده است.

در فصل سوم، دیدگاه ها راجع به نوعی بودن یا شخصی بودن خلافت، قلمرو خلافت، معیارهای خلافت (که مربوط به کدام طبقه است) بررسی شده و در پایان به بیان علم آدم پرداخته شده که آدم با چه علمی عالم هستی را اداره می کند.

در يك كلام، در این رساله موضوعات فوق مورد بررسی و نقد قرار گرفته و سعی شده که همه گفته ها، مستند و مستدل ارائه شود.

فهرست مطالب

۲	کلیات
۲	مقدمه
۳	بیان مسأله اصلی
۳	سؤالات فرعی
۴	انگیزه تحقیق
۴	روش تحقیق
۴	قلمرو تحقیق
۵	موانع تحقیق
۵	ضرورت موضوع
۹	تاریخچه موضوع

بخش اول: تعلیم

۱۳	فصل اول
۱۴	تعلیم در لغت
۱۴	تعلیم در اصطلاح
۱۵	تکوین در لغت
۱۵	تکوین در اصطلاح
۱۶	تعلیم تکوینی بود
۱۸	تعلیم غیر تکوینی بود
۲۱	نتیجه
۲۳	تعلیم فوق زمان است
۲۴	عدم وساطت در تعلیم
۲۶	تفاوت درس و تعلیم
۲۶	درس در لغت
۲۴	ماده علم در لغت
۲۸	تفاوت تعلیم و انبیا
۲۰	فصل دوم
۳۰	راز مشاورت با ملائکه

۳۲	ماهیت ملائکه
۳۲	ملائکه در لغت
۳۴	اقسام ملائکه
۳۵	عصمت ملائکه
۳۸	امتیاز انسان از فرشته
۴۱	تکامل مندی فرشته

بخش دوم : اسماء

۴۳	فصل اول
۴۴	اسماء در لغت
۴۵	اسماء در اصطلاح
۴۷	جوهریت اسماء
۴۸	اسماء باشعورند
۵۰	اسماء در غیبت محض اند
۵۰	غیب در لغت
۵۱	غیب در اصطلاح
۵۲	دفع يك شبهه
۴۴	فصل دوم
۵۵	ماهیت اسماء
۵۷	اسماء در تورات
۵۷	جمع بین اقوال
۵۸	اسماء از زبان روایات
۵۸	دسته اول از روایات
۶۰	دسته دوم از روایات
۶۱	نتیجه
۶۱	خلاصه
۶۲	فصل سوم
۶۳	مفهوم عرضه در لغت
۶۳	عرضه در لغت

۶۳	عرضه در اصطلاح
۶۴	کیفیت عرضه
۶۵	زمان عرضه
۶۶	نقش علم اسماء در مقام خلافت
بخش سوم : حکمت تعلیم اسماء (خلافت آدم)	
۷۱	فصل اول
۷۲	خلیفه در لغت
۷۳	خلیفه در اصطلاح
۷۳	خلافت
۷۵	ضرورت خلیفه
۷۸	راز خلافت آدم
۸۰	آدم در لغت
۸۲	آدم در اصطلاح
۸۳	استعلام ملائکه
۸۶	فصل دوم
۸۷	منشأ علم ملائکه
۸۹	مستخلف عنه کیست
۸۹	مستخلف عنه ملائکه هستند
۹۰	چگونه ملائکه ساکن زمین شدند
۹۱	نقد قول اول
۹۳	مستخلف عنه نسناس است
۹۵	نقد قول دوم
۹۶	مستخلف عنه نسلی از نسل بشر است
۹۷	نقد قول سوم
۹۸	مستخلف عنه خدا است
۹۹	نتیجه
۱۰۱	فصل سوم
۱۰۲	نوعیت خلیفه

۱۰۲	شخص آدم خلیفه است
۱۰۳	انسان های کامل خلیفه اند
۱۰۵	نقد این قول
۱۰۵	مؤمنان خلیفه اند
۱۰۶	نقد این قول
۱۰۶	مطلق انسان خلیفه اند
۱۰۶	نقد این قول
۱۰۷	نوع انسان خلیفه اند
۱۱۰	نتیجه
۱۱۱	فصل چهارم
۱۱۲	فراگیر بودن حوزه خلافت
۱۱۶	نبوت بعد از هبوط
۱۱۶	قول اول
۱۱۷	قول دوم
۱۱۹	علم آدم
۱۲۲	نتیجه
۱۲۳	نتایج کلی بحث
۱۲۷	فهرست منابع و مآخذ

كليات

- ✓ مقدمات
- ✓ بيان مسأله اصلي
- ✓ سوالات فرعي
- ✓ انگيزه تحقيق
- ✓ روش تحقيق
- ✓ قلمروتحقيق
- ✓ موانع تحقيق
- ✓ ضرورت موضوع
- ✓ تاريخچه موضوع

مقدمه

نوشتاری که پیش رو دارید د ر حد توان محقق، به موضوع تعلیم اسماء به حضرت آدم و فروع آن از دیدگاه قرآن و حدیث پرداخته است، - موضوعی که از عمده ترین موضوعات قرآنی بوده و در عین حال از محجور ترین موضوعات قرآنی نیز می باشد-، تمام تلاش محقق این است که گرد و غباری را از آن بر گرفته و از محجوریت و انزوا بیرون بیاورد، متأسفانه قلم به دستان و مفسران ما این موضوع را کم اهمیت دیده و به سادگی از آن گذشته اند. من معتقدم که تعلیم اسماء در قرآن یکی از عمده ترین و کم نظیر ترین موضوعات قرآنی است که خداوند در آیه خلافت و تعلیم، خبر از خلافت آدم و تعلیم اسماء به او داده، و خلافت و جانشینی او را مستدل کرده است که، جمله ای { *فَلَمَّا أَنْبَأَهُمُ* } این موقعیت را در کل هستی تثبیت می کند؛ به خاطر همین تثبیت موقعیت است که خداوند با واجب کردن سجده بر آدم، او را معززترین و مکرمترین موجود، در محدوده هستی قرار می دهد، یعنی در عالم ما سوی الله، موجودی به شرافت و کرامت انسان نمی رسد و این عظمت و مکرمت را از همین چند آیه سوره بقره یعنی آیات خلافت و تعلیم، گرفته است، خلقت و خلافت را از { *إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً* } و عظمت و علو را از { *وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا* } و تثبیت این موقعیت را از { *فَلَمَّا أَنْبَأَهُمُ* } گرفته است.

این آیات قرآن کریم در واقع یکی از محوری ترین و عمیق ترین آیات قرآنی است که در بین آیات قرآن سر سبز و بلند است و از اول خلقت آدم تا آخرین روز در جهان هستی محور شرافت و عظمت انسان خواهد بود و می زیبد که انسان دوستان و آنان که حول محور سرشت زیبای انسان و عروج او

بر اوج قله های عظمت و تعالی می گردند، این آیات را بشکافند و بطون و بطون آن را آشکار کنند؛ با این کار، خدمت بزرگی در جامعه بشری خواهند کرد، زیرا معلوم خواهد شد که دین و قرآن- این کتاب آسمانی بی نظیر-، تا چه اندازه به انسان و علم و محوریت این دو در عالم هستی اهمیت داده است. تا جایی که بنده دیدم تنها کسی که مقداری در این بحث وارد شده و نسبتاً ریز بینی کرده است، حضرت آیه الله جوادی آملی است (که خداوندش توفیق عنایت فرماید) و بنده هم بیش از هر تفسیر دیگر از تفاسیر موضوعی و تسنیم ایشان استفاده کرده ام، و مفسران مادر این وادی چندان وارد نشده اند و به سادگی از آن گذشته اند، در حالی که تفوق و برتری انسان بر کل هستی به وسیله همین چند آیه است.

بیان مسأله اصلی

یکی از مباحث اصلی قرآن، مسأله تعلیم اسماء به آدم است، لازم است بیان شود که این اسماء چه بودند و از چه حقیقتی برخوردار بودند و فلسفه این تعلیم چه بود و چگونه به آدم تعلیم داده شد و این تعلیم نسبت به فرزندان آدم چه توجیهی دارد؟

سوالات فرعی

- ۱- خدا چه نیازی به این خلقت و خلافت داشت؟
- ۲- ملائکه چرا اعتراض کردند؟
- ۳- آیا تعلیم و خلافت اختصاص به آدم دارد؟
- ۴- تعلیم به چه صورت انجام گرفت؟
- ۵- در این خلافت مستخلف عنه چه موجودی بود؟
- ۶- وسعت حوزه خلافت تا کجا است؟

انگیزه تحقیق

هدف از این تحقیق این است که در حدّ توان، اصالت های انسانی، اوصاف و ویژگی های برجسته او را، درک کرده و برای انسان دوستان جامعه متمدن امروز به تصویر بکشیم. این موجود که به فرموده مولی علی (ع) - طبق شعر که منسوب به مولی است - «أترعم انک جرم صغیر و فیک انطوی العالم الاکبر» - است، بتوانم مقداری از خصیصه های او را توضیح دهم، تا بدانیم که ما چه موجودی هستیم و در عالم هستی چه موقعیتی داریم؟ یعنی می خواهم بحث اصالت های انسانی، بحث روز جوانان امروز باشد، (جوانانی که داد از آزادی، حقوق بشر، دموکراسی و سکولاریسم می زنند و آنها که ناخواسته آب در آسیاب دشمن می ریزند) باشد تا به اصل خویش که همان مقام دوم عالم است رو آورند و مجد و عظمت انسانی خویش را دریا بند، تابه باتلاقهای لائیک و سکولار و شعار های دهن پرکن از این قبیل، نغلطیده و ره به سوی دیار ارزشها ببرند.

روش تحقیق

این تحقیق به صورت تبیینی، تحلیلی بوده و برپایه گرد آوری اطلاعات از منابع تفسیری فریقین و کتب علوم قرآنی، از کتابخانه ها انجام گرفته است و سعی شده که مطالب این رساله، مستند ارائه گردد.

قلمرو تحقیق

در این تحقیق تلاش بر این است که این موضوع را از منابع قرآنی، تفسیری و حدیثی مورد کاوش قرار دهم و از منابع غیر قرآنی و حدیثی به ندرت

استفاده خواهد شد ، از نظر فروعاتی که در این موضوع ممکن است وجود داشته باشد، در محدودیت خواهد بود، زیرا در این رساله مباحثی مربوط به تعلیم ، ماهیت اسماء ، خلافت ، فرشتگان و فروعات مربوط به اینها، مورد کاوش قرار خواهد گرفت؛ اما جنبه های عرفانی، کلامی ، فلسفی و بعضی مسائلی دیگری که چندان ربطی به این موضوع ندارد در محدوده ای این تحقیق نخواهد بود .

موانع تحقیق

در مسیر تحقیق این نوشتار به مشکلاتی برخوردیم مثل کمی زمان و دست نداشتن به اهل خبره ... ولی این نوع از مشکلات باجدیت و پشتکار قابل حل است ، اما آنچه که در این مسیر جدی برای من مانع به حساب می آمد دو چیز بود : یکی اینکه اکثراً کتاب خانه ها به صورت بسته بوده و دست رسی به اصل منابع به وسیله محقق را دچار مشکل می کند، زیرا کتاب خانه ای که باز است خیلی راحت تر تحقیق صورت می گیرد تا کتاب خانه که به صورت بسته است . مانع دوم در این مسیر بعد عرفانی، کلامی و فلسفی این بحث است که بسیار پیچیده و علمی است، متأسفانه آنچه که مربوط به این دو علم می شد مورد کاوش قرار نگرفته است، زیرا هم در توان بنده نبود و هم جزء وظائف بنده نبود .

ضرورت موضوع

در اهمیت این بحث همین بس که سابقه آن به آغاز خلقت بشر، بر می گردد و از روز اولی که موجودی به عنوان بشر پایه عرصه وجود گذاشت و صلاح باری تعالی بر آن شد که قدرت و عظمت او را برای سائر مخلوقات

به نمایش بگذارد، تعلیم اسماء را خلق کرد و آدم با استفاده از این لطف خدا، به مقام جانشینی رسید .

خداوند به وسیله تعلیم اسماء چنان عظمتی به انسان داد، که سر انجام معترضین خلافت - طبق یک قول - که عظمت و قدرت او را درک نکرده بودند به اعتذار بیفتند و مقام این موجود را درک کنند.

بدون شک بشر از تعلیم اسماء و اتصاف به علم اسماء، دارای چنین مقامی شده و ره به سوی پلکان صعود به پیش برده است ، بلکه می توان گفت عظمت و مقام والای انسان، از تعلیم اسماء سرچشمه می گیرد، به گونه ای که وقتی ملائکه مقام انسان را درک کردند، کرنش در برابر او را وظیفه خود دیدند، نه آنطور که آنها فکر می کردند که آدم موجودی خون ریز، سفاک و متهتک است و این اوصاف از ویژگی های خلیفه الله نیست، بلکه چنین اعمالی اگر از موجودی سر بزند نه تنها خلیفه الله نیست و از تعلیم اسماء بر خوردار نیست بلکه او با خصیصه های بهائم و غیر مکلفین سروکار دارد و هیچ گونه نشانی از نشان های الهی و خلیفه الهی را ندارد .

آری تعلیم اسماء الهی نه تنها تکمیل کمال را به انسان بخشید و او را مسجود ملائکه قرار داد، بلکه عظمت و قدرت الهی را به مخلوقات دیگر، نمایان کرد، ملائکه خیال می کردند که هیچ موجودی بالاتر از آنها نبوده و وجود ندارد و هیچ چیزی بهتر از آنها خدا را عبادت نخواهد کرد و هر چه است از نظر کمال، از آنها پائین تر هستند، بخصوص بشری که آنها می شناختند که چه موجود خون آشام و طاغی است و لذا آنها موجودی را به نام بشر آن هم با مقام خلیفه خدا ، در روی زمین وجود داشته باشد، قبول نداشتند و خود را از همه بالاتر می دانستند، غافل از اینکه اراده خدا چنین مقرر شده که موجودی به نام بشر و انسان خلق کند تا ملائکه عظمت خدا را بیش از پیش درک کنند؛ در نتیجه تعلیم اسماء، صورت گرفت .

تعلیم اسماء یعنی تکمیل کمال و خلافت انسان، تعلیم اسماء یعنی قطره ای از دریای بی کران علم و قدرت الهی که به ملائکه و سایر موجودات نمایش داده شد. خود حضرت ربّ العزّه در حدیث قدسی فرمود: « کنت کنزاً مخفیاً فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لکی اعرف^۱ » یعنی من ذات مطلق، گنج مخفی بودم و دوست داشتم که شناخته بشوم، پس موجودات را خلق کردم تا شناخته بشوم؛ از بین این موجودات انسان اول موجود و تنها موجودی است که خدا را آنطور که ممکن است، شناخته است اما موجوداتی دیگر توان این نوع درک را نخواهند داشت.

نکته ای که در این حدیث وجود دارد این است که: تنها انسان است که خدا را آنگونه که باید درک کند، می شناسد، نه ملائکه، یا سایر موجودات، زیرا خداوند مخلوقات را خلق می کند تا او را بشناسند، اما از بین مخلوقات فقط انسان می تواند این معرفت را نسبت به خالق خودش داشته باشد نه دیگران؛ پس درک کردن خدابه وسیله انسان، فلسفه خلقت او است و معلوم می شود که ملائکه آنگونه که شایسته ذات الهی است، نمی توانند درک کنند. این یک امتیاز و ویژگی و از فلسفه های خلقت برای انسان است، چه اینکه عبادت با شناخت غیر از عبادت بدون شناخت است.

تعلیم اسماء یعنی ظهور قدرت و علوم و فنون دیگر، تعلیم اسماء یعنی ظهور مقام انسان برای جلوس بر کرسی استادی، همین انسانی که متهم به خون ریزی و فساد شده بود.

انسان با تعلیم و تعلم است که به مقام خلیفه الهی می رسد، بنا بر این او در هر زمان و مکانی که باشد خلیفه الله، خواهد بود و لذا انسان، هر چه از خدا دور تر شود از تعلیم و خلافت او هم دور تر خواهد شد.

امروزه اگر بشریت گرفتار حاکمان جانر و جبارند، که با شعار های دهن پر کن براریکه قدرت نشسته و ظلم و طغیان می کنند و اگر از نظر انسانیت و شرافت، روز به روز به عقب بر می گردند، علت آن، عدم درک مقام تعلیم اسماء است، برای اینکه از خدا و تعلیم اسماء دور شده اند و از فطرت خدا دادی فاصله گرفته اند و در واقع انسان هایی هستند که قبل از آدم - طبق یک احتمال - زندگی می کردند و از معرفت و انسانیت بهره نداشته اند، بلکه در مواردی بدتر از آنها و پست تر از بهائم هم هستند و اگر می بینیم که بشر در صنعت و تکنولوژی، پیشرفت کرده و به ذره و اتم مسلط شده اند، این ها نشانه بروز تعلیم اسماء است، همان قوه ای که در اول خلقت به نفع انسان رقم خورد و اگر دانشمندان ما خلاقیت هایی داشته اند و یا اکتشافاتی که در عالم به وجود می آید، بدان خاطر است که قطره ای از آن باران الهی در قلب های آنها باریده است و بهره ای از تعلیم اسماء گرفته اند.

اگر بشر بخواهد از مهالک مثل مادی گرایی و قدرت پرستی و شهوت دوستی، نجات پیدا کند و به طرف ارزش ها و خداباوری روی بیاورد، باید دنبال اصل خود برود، زیرا درک تعلیم اسماء و آثار آن، درک اصالت انسانی است، که فراموش کردن این اصل موجب گرفتاری و بدبختی خواهد شد.

بنده به دلیل اهمیت موضوع و آثاری که بر آن مترتب است، آن را به عنوان موضوع پایان نامه انتخاب کردم، به این امید که روزی این علم محجوب و محجور، از غربت بیرون آمده و نقشی در حیات معنوی جامعه بشری ایفاء کند، زیرا آنطور که باید، به این علم توجه نشده و حتی بطور یک بحث رتبه دوم هم به آن پرداخته نشده است و لذا است که مردم از این علم دور شده اند و در مقابل به گرایش های شیطانی رو آورده اند. اگر ضرورت این بحث

و نیاز جامعه بشری به آن، احساس می شد و تا حد لازم به آن پرداخته می شد، بلا شك، مشکلات اساسی جوامع بشری حل می شد.

تاریخچه موضوع

تعلیم اسماء از موضوعاتی است که پیشینه آن به صدر خلقت انسان بر می گردد، شاید بتوان ادعا کرد که از نظر عمق و محتوی بر سایر موضوعات قرآنی تقدم دارد، زیرا با خلقت آدم تعلیم اسماء موضوعیت پیدا کرده و پا به عرصه وجود گذاشت، میمون وجودی که به متعلم خود کمال تعالی را داده و رضایت سائلین این خلقت را نیز به بار آورد، یعنی تعلیم، همزاد انسان و همگام و همراه او است تا رسیدن به کمال قرب الهی و لذا از انسان جدای پذیر نیست.

تعلیم خاصی که به حضرت آدم ابوالبشر داده شد، تعلیمی است که موضوع بحث و جدال اندیشمندان جوامع بشری است که چه نوع تعلیم بوده و چه چیز را به انسان آگاهانید، تعلیمی است که در فرهنگ و تاریخ مکتوب اکثر جوامع بشری به نحوی از انحاء دیده می شود و می توان گفت که جوامع دینی ناگزیر است که از آن بحث کنند و آن را به توضیح بگیرند، زیرا برجستگی علمی آن به حدی است که نمی توانند آن را نادیده بگیرند و این امتیاز اول انسان را بدون تبیین بگذارند، چون ربط محکم و ارتباط مستقیم به انسان شناسی پیدا می کند و هر یک از مکاتب الهی و غیر الهی هم باید طبق دیدگاه خود این موجود اشرف را، معرفی کنند. بنده به منظور گشودن تاریخچه این بحث چکیده و گزیده ای از نکات تاریخی آن را یاد آور می شوم:

در نسخه سریانی کتاب ادریس پیامبر (ع) این مطلب این گونه آمده است: که حضرت ادریس نبی (ع) با فرزندان خود بحث می کرد که (افضل الخلق

(کیست ؟ بعضی گفتند : ملائکه افضل الخلق است زیرا که آنها خدا را فرمان می برند و معصیت نمی کنند ، دومی گفت : جبرائیل افضل الخلق است اما خود حضرت ادریس (ع) از زبان حضرت آدم (ع) فرمود : من اشباه نورانی را در آسمان دیدم که اسماء آنها در عرش نوشته شده بودند ، در غایت جلال و جمال و کمال بودند ، عرض کردم : « یا ربی من هنولاء » ؟ در جواب شنیدم که گفت : آنها محمد (ص) و علی (ع) و فاطمه (س) و حسن (ع) و حسین (ع) اند که اگر آنها نبودند من شما را خلق نمی کردم ^۱ .

این بیان شبیه روایتی است که در کتاب (بحار الانوار ج ۳۷ ص ۶۳) آمده و فرازی از آن روایت این است : « فبحقک علمنی اسمائهم » پس پروردگارا به خودت تسماء آنها را به من تعلیم نما . از این روایت استفاده می شود که در عصر حضرت ادریس نبی (ع) نیز بحثی در این موضوع مطرح بوده و در پی معیار افضل الخلق بوده اند .

در کتاب مقدس (عهدین) نیز به گونه های دیگر مطرح شده است مثلاً در سفر پیدایش باب اول می گوید : خدا گفت آدم را به صورت خودم بسازم (از نظر علم و درایت و لیاقت مثل خودم خلق کنم) تا بر ماهیان دریا و پرندگان هوا و بهائم و بر تمامی زمین حکومت کند .

در باب دوم آمده : خداوند هر حیوان صحرا و هر پرنده آسمان را از زمین بسرشت و آن را نزد آدم آورد تا ببیند که چه نام خواهد نهاد ، به آنچه آدم هر ذی حیات را خواند همان ، نام او شد ^۲ این همان مطلبی است که در قرآن به نام تعلیم اسماء به آدم مطرح شده است .

چنانکه از منابع روایی ما استفاده می شود ، علم اسماء و تعلیم آن از موضوعات سرآمد روزگار بوده است و اهل حاجت در خصوص علم به اسماء

۱ - رسول الاسلام فی الکتب السماویة - دکتر صانقی ص ۱۲۱

۲ - کتاب مقدس ، سفر پیدایش باب ۲-۱